



دکتر رضا عابدی گناباد
پژوهشگر مسائل ترکیه
و مدرس دانشگاه



روابط ایران و ترکیه در پرتوی نظم نوین جهانی آینده

علی رغم برخی رقابت‌ها و تضادها میان ایران و ترکیه در منطقه، شاهد روابط نسبتاً کم‌نوسان میان دو کشور در ۱۰ سال اخیر بوده‌ایم. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نزدیکی ترکیه با آمریکا و نظام لیبرال سرمایه‌داری غرب، همواره به‌عنوان مانعی بر سرگسترش روابط میان ایران و ترکیه محسوب می‌شده است؛ اما در سال‌های آتی و با عنایت به افول تدریجی هژمونی آمریکا و آماده شدن جهان برای نظم نوین جهانی، این پرسش مطرح می‌شود که شاهد چه تحولاتی در روابط میان ایران و ترکیه خواهیم بود؟ نویسنده برای پاسخ به این پرسش، ضمن واکاوی اهمیت ترکیه در منطقه و جهان به روابط میان تهران و آنکارا و به‌ویژه نقش متغیر آمریکا در آن می‌پردازد. درنهایت و در بخش پایانی، نویسنده به بررسی نظم نوین جهانی و فرصت‌های تازه در روابط این دو کشور همسایه پرداخته است.

اهمیت ترکیه در منطقه و جهان

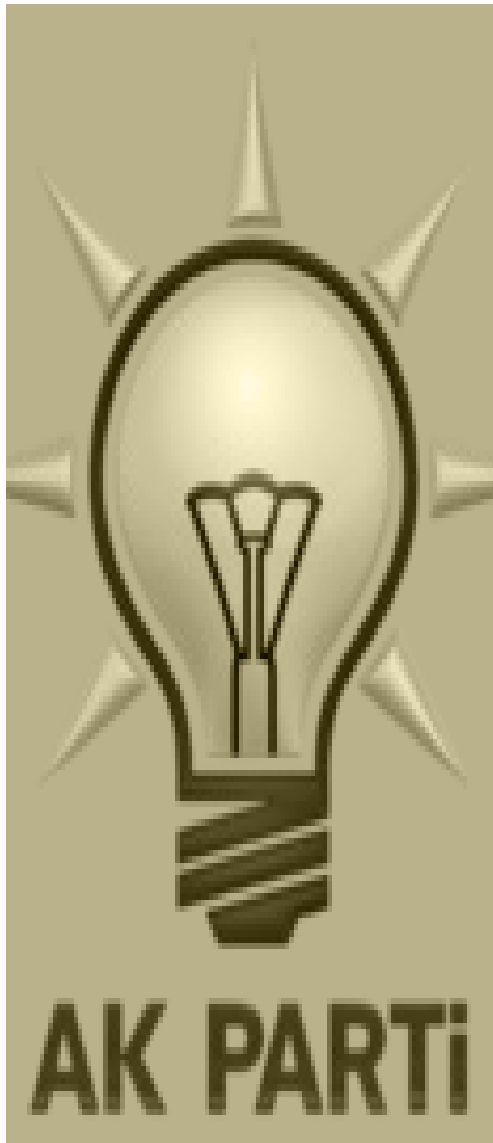
کشور ترکیه با بیش از ۸۷ میلیون نفر، از این جهت حائز اهمیت فراوان است که در حد فاصل اروپا و آسیا قرار داشته و تاریخی کهن از حکمرانی بر بالکان و غرب آسیا دارد. علت دیگر اهمیت ترکیه نیز آن است که بعد از جنگ جهانی اول تاکنون، همواره به عنوان متحد غرب در منطقه، مطرح بوده است. ترکیه به عنوان اولین کشور مسلمان در سال ۱۹۴۹، موجودیت رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت و از دهه ۱۹۵۰ وارد همکاری‌های امنیتی و اقتصادی با این رژیم شد. عضویت ترکیه در ناتو در سال ۱۹۵۲ و مطرح شدن این کشور به عنوان متحد و هم‌پیمان راهبردی غرب و به ویژه آمریکا در منطقه غرب آسیا، تبدیل شدن ترکیه به عنوان خط مقدم غرب و مطرح شدن الگوی سکولار- لیبرال آن در مقاطعی برای کشورهای مسلمان از سوی محافل غربی بر اهمیت و نقش ترکیه افزوده است. ترکیه با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در کنار مهم ترین تولیدکنندگان نفت و گاز دنیا، به عنوان یکی از مهم ترین مصرف کنندگان انرژی قرار دارد و این مسئله، باعث اهمیت ترکیه به عنوان مسیر ترانزیت نفت و گاز حوزه‌های خلیج فارس و خزر شده است. در سال ۲۰۲۰، نزدیک به پنج میلیون بشکه نفت از مسیر ترکیه، ترانزیت شده است. انتقال انرژی از طریق خطوط مختلف برای امنیت مصرف‌کنندگان، اهمیت ویژه دارد و کنترل این انتقال توسط ترکیه، به این کشور قدرت سیاسی و چانه‌زنی بالایی اعطا خواهد

کرد و این موقعیت به افزایش نفوذ او در اتحادیه اروپا و دست بالا داشتن در ارتباط با کشورهای غرب و جنوب غرب آسیا را می‌دهد.

تنگه‌های ترکیه شامل تنگه بسفر (به عرض بین ۶۰۰ تا ۳۳۰۰ متر و طول ۲۸ کیلومتر) که دریای سیاه را به دریای مرمره وصل می‌کند- و تنگه داردانل به عرض بین دو تا پنج کیلومتر و طول ۶۵ کیلومتر که دریای مرمره را به دریای اژه (و از این طریق به دریای مدیترانه) مرتبط می‌سازد- می‌باشد؛ بنابراین، تنگه‌های ترکیه کاملاً در قلمرو این کشور واقع شده‌اند. تنگه‌های مزبور از جمله مهم ترین تنگه‌های بین‌المللی به شمار می‌روند. گرچه تا قبل از فروپاشی شوروی، ترکیه بیش تر از نظر نظامی مورد توجه کشورهای اروپایی و آمریکا قرار داشت، اما پایان جنگ سرد، نوعی ابهام در مورد موقعیت و اهمیت ترکیه برای غرب ایجاد کرد. البته با شروع بحران خلیج فارس، جنگ و ناآرامی در بوسنی و هرزگوین، جنگ آذربایجان و ارمنستان و جنگ در عراق و افغانستان و بحران سوریه و خیزش‌های منطقه در سال ۲۰۱۱، همگی در حوزه‌های نزدیک ترکیه صورت گرفته که موجب توجه بیش تر به آن کشور شده است. از طرف دیگر بروز این مسائل، موجب خارج شدن ترکیه از سیاست سنتی انزوا و بی‌طرفی در سطح مناطقی چون غرب آسیا، شمال آفریقا، قفقاز، آسیای مرکزی، مدیترانه، جنوب شرق و شرق اروپا شده است.

روابط ترکیه و ایران و نقش متغیری به نام آمریکا

روابط ایران و ترکیه مبتنی بر گذشته تاریخی است و اشتراک منافع زیادی میان این دو کشور در مسائل مختلف وجود دارد. موقعیت ژئواستراتژیک و تاریخ دو



در ناتو و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا با همه فراز و فرود آن) بوده است. در رویکرد جدید ترکیه که توسط احمد داود اغلو بنیان نهاده شد - برخلاف رویکرد کلاسیک کمالیستی، صرفاً مرزهای محدود ملی، مدنظر نیست و سیاست خارجی، اسیر و زندانی امنیت ملی و نگرش امنیتی نبود، بلکه ترک ها به دنبال نفوذ قدرت نریشان در منطقه پیرامونی و

کشور، نشان می دهد که بسیاری از تحولات این دو، مصادف با یکدیگر و حتی گاه تأثیرگذار بر یکدیگر بوده است. برخی بر این باورند که رقابت و برتری در عین دوستی طبیعی، به عنوان بخش قابل توجهی از حافظه تاریخی روابط دو کشور محسوب می گردد. در دوران ۳۷ ساله محمدرضا شاه پهلوی قرار داشتن دو کشور در منطقه استراتژیک غرب آسیا از یک سو و روابط راهبردی آنان با غرب از سوی دیگر، موجب شد تا دو کشور در هم سویی با سیاست های غرب به منظور جلوگیری از نفوذ و گسترش کمونیسم در دسته بندی های منطقه ای در یک جبهه قرار گیرند. روابط تهران و آنکارا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره دارای فراز و نشیب بوده است. تاریخ روابط ایران و ترکیه در طول دهه های گذشته، حاکی از آن است که دو کشور دارای کم ترین تنش بوده اند و اساساً بحران درازمدت میان این دو به وقوع نپیوسته است. هرچند که پس از وقوع انقلاب اسلامی مهم ترین عامل جدایی دو کشور، جدایی بینش ها بوده است و متأسفانه رسانه های این کشور، گاه و بیگاه به ناگهان، موجی از تبلیغات خصمانه را علیه تهران به راه می اندازند. البته در این موج سازی های ضد ایرانی، نقش محافل نزدیک به آمریکا و رژیم صهیونیستی، بسیار برجسته بوده است.

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ بر اساس ترکیب دو عنصر اسلام و لیبرالیسم و همچنین، هویت محافظه کارانه شاهد تحولات تازه ای در سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه، جهان اسلام و ایران بودیم. در این مدت، سیاست چندجانبه گرایی ترکیه، سیاستی چندوجهی و چندلایه به صورت سیاست های قومی (پان ترکیسم)، هویتی و تاریخی (احیای حوزه نفوذ امپراتوری عثمانی)، غربی (عضویت

مناطق تحت سیطره عثمانی بودند. اگر چه این امر به معنای نادیده گرفتن غرب در سیاست خارجی تر کیه نیز نبود. با پیروزی حزب عدالت و توسعه، شاهد گسترش روابط اقتصادی میان تهران و آنکارا بودیم. وابستگی ترکیه به انرژی از جمله مواردی بود که باعث شد تا شاهد تنش ادامه داری در روابط دو همسایه در دو دهه اخیر نباشیم، زیرا ایران بعد از روسیه، دومین تأمین کننده گاز طبیعی ترکیه محسوب می شود. ترکیه نقش مهمی در تأمین کالاهای وارداتی ایران دارد و مهم ترین مسیر تجاری و ارتباطی این کشور با اروپا محسوب می شود. ترکیه و ایران در خصوص مهار جریان های تجزیه طلب کرد، دارای اشتراک نظر هستند و شاهد همکاری آن ها در سال ۲۰۱۷ در خصوص مقابله با همه پرسی استقلال کردستان عراق بودیم. این موارد، نافی تضاد و رقابت دو کشور در موضوع هایی چون روابط راهبردی ترکیه با آمریکا و رژیم صهیونیستی، تفاوت در الگوهای اسلام در کشور، بحران سوریه، نقش شیعیان در عراق، بازی ترکیه با کارت فلسطین، حمله نظامی آل سعود به یمن و بحرین و تلاش ترکیه برای نفوذ در قفقاز و آسیای مرکزی بر اساس راهبرد نو عثمانی گرای نمی شود. ترکیه بعد از خیزش های عرب به دنبال رهبری منطقه ای بود که این امر، به رقابت با ایران به عنوان رقیب منطقه ای منجر شد. البته این رقابت به معنای هماهنگی کامل آنکارا با منافع کاخ سفید نبود و به طور مشخص در سوریه، نقش کردها و مسلح کردن آن ها توسط آمریکا با مخالفت اردوغان مواجه شد. ترکیه علاوه بر تأکید بر حق ایران در داشتن فناوری هسته ای، صریحاً بر تعهد آن کشور مبنی بر جلوگیری از اشاعه تسلیحات هسته ای تأکید می کند. در واقع،

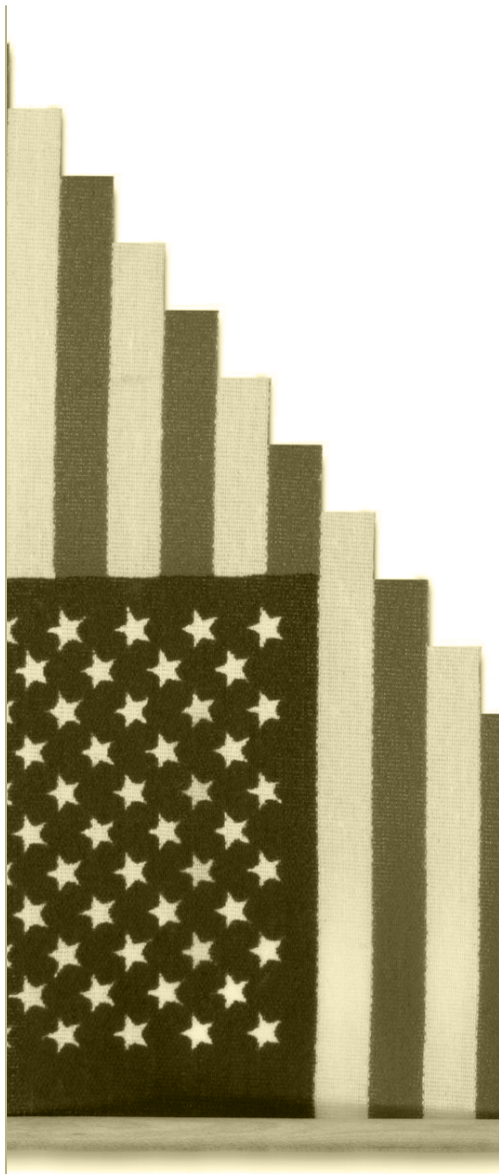
آنکارا نگران بر هم خوردن توازن منطقه ای به نفع ایران بود. با این حال، برخی محافل در ترکیه بر این باورند که مخالفت آمریکا و غرب با دستیابی جمهوری اسلامی به فناوری صلح آمیز هسته ای، می تواند در آینده برای سایر کشورهای در حال توسعه و مسلمان و از جمله ترکیه نیز تکرار شود. بر اساس نظریه «جردن»، ترکیه به عنوان یک قدرت میانه و در حال ظهور، به دنبال خارج کردن سیاست خارجی خود از قید یک جانبه گری و تعهد یک سویه است. مقام های آمریکایی در خصوص اقدام های ترکیه در مورد ایران، همواره نگرانی خود را نشان داده اند. با عنایت به نگاه تاریخی آمریکا به ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیکی ترکیه به ایران از منظر باز دارندگی برای آمریکا نامطلوب است، زیرا سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا بر مبنای دشمنی با کشورهای غیر متحد، طراحی شده است. آمریکا با ترکیه، اتحادی دیرینه دارد، به گونه ای که این مسئله، در قالب همگرایی هر چه بیشتر دو کشور و در ارتباط با ایران، در مسائلی چون استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه، تحولات دریای خزر، قفقاز جنوبی، موضوع هسته ای ایران و تحولات غرب آسیا، خود را نمایان ساخته است. در این میان، آمریکا با شراکت راهبردی خود با ترکیه، به دنبال اهداف بلندمدتی است و هم پیمانی با ترکیه را در ادامه این روند ارزیابی می کند. ترکیه نیز با وجود برخی اختلاف ها با آمریکا در تحولات منطقه ای، از زمان پیوستن به ناتو، یکی از شرکای کلیدی آمریکا بوده است.

نظم نوین جهانی و فرصت های تازه در روابط میان ایران و ترکیه

شکست و افول نظم لیبرال غربی، واقعیتی است که در نظام بین الملل، در حال وقوع است. واقعیت دیگر

غرب به شرق هستیم. در چنین فضایی است که سه رویداد بزرگ سقوط صدام حسین، جنگ ۳۳ روزه میان حزب الله لبنان و اسرائیل و خیزش های عربی پس از سال ۲۰۱۱ در ابتدای قرن بیست و یکم، ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را با تغییرات بسیار زیادی مواجه کرده است. این تحولات، نقش ایران را در معادلات این منطقه، بسیار پررنگ کرده و دورنمای ژئوپلیتیک غرب آسیا و همچنین، ژئوپلیتیک دنیای اسلام و ژئوپلیتیک شیعه را بسیار ایرانیزه نموده است. به گونه ای که می توان ادعا کرد، توازن قدرت در این منطقه در حال چرخش به سمت ایران است. بر این اساس، برخی حتی مدعی شده اند که تمدن اسلامی با محوریت ایران به رقیبی جدی برای ایالات متحده آمریکا، تبدیل شده است.

بدون شک افول تدریجی قدرت آمریکا، خروج این کشور از منطقه و شکل گیری چشم انداز تغییرات نظم نوین جهانی در آینده نزدیک، می تواند بر روی روابط میان ترکیه و ایران نیز اثرگذار باشد که تا همین جای کار نیز شاهد برخی رفتارهای ترکیه برای نشان دادن نوعی استقلال، همکاری و کار کردن با قدرت های رقیب آمریکا هستیم. این روزها حتی کار به جایی رسیده است که جریان های لائیک ترکیه چون حزب جمهوری خواه خلق نیز با فاصله گرفتن از رویکردهای افراطی گذشته، ضمن انتقاد از برخی سیاست های اردوغان و حزب عدالت و توسعه در نزدیکی به آمریکا، خواستار حفظ استقلال در سیاست خارجی ترکیه شده اند. به نظر می رسد که با عنایت به نقش متغیر آمریکا در روابط ایران و ترکیه، با افول تدریجی قدرت



جهان امروز، ظهور قدرت های جدید است که اغلب رویکرد تجدیدنظرطلبانه به نظم آمریکایی دارند، قواعد و هنجارهای آن را قبول ندارند و درصند که در نظم جهانی آینده، نقش مهمی داشته باشند. در حالی که قدرت آمریکا در حال فرسایش است، تغییر قدرت جهانی در جریان بوده و ما، شاهد انتقال قدرت از

اخیر، غیرقابل انکار بوده است. در واقع، ایران و ترکیه در منطقه غرب آسیا از معدود کشورهایی هستند که هیچ مشکلی مرزی با یکدیگر ندارند و طی یک صد سال گذشته، درگیری نظامی هم با یکدیگر نداشته اند. لذا با تغییر نظم فعلی و حرکت به سمت نظم نوین جهانی و کاهش نقش مخرب آمریکا در روابط دو کشور، می توان شاهد همکاری های بیشتر دو کشور در تحولات منطقه به ویژه آینده عراق و همکاری های امنیتی برای تأمین امنیت مرزها بود.

به نظر می رسد که توجه به منطقه گرایی و همکاری های مشترک با کشورهای چون سوریه، عراق و حتی اردن و مصر در مباحثی چون بحران آب، ریزگردها و سایر موارد در چهارچوب همکاری ها و سازوکارهای منطقه ای در جهان پس از آمریکایی و نظم نوین آینده، می تواند به عنوان مبنای همکاری میان ایران و ترکیه قرار گیرد. به علاوه با از بین رفتن نفوذ و بازیگری مخرب آمریکا، می توان به همکاری های مشترک میان چین، ایران، روسیه، ترکیه، برزیل و آفریقای جنوبی نیز امید داشت.

این کشور در سطح جهانی و شکل گیری نظم نوین جهانی آینده، شاهد کاهش رقابت ها و افزایش همکاری ها میان ایران و ترکیه در آینده نزدیک، به ویژه در ابعاد اقتصادی خواهیم بود. وجود دین مشترک، خواست افکار عمومی دو کشور در مورد گسترش روابط و به ویژه مرزهای مشترک، تاریخ و فرهنگ مشترک از جمله مواردی به شمار می روند که می تواند باعث نزدیکی بیشتر تهران و آنکارا در نظم نوین جهانی سال های آتی گردد. با عنایت به نیاز روزافزون ترکیه به انرژی و برخی پرونده های مشترک دیگر، در صورت کاهش نقش متغیر آمریکا و رژیم صهیونیستی، می توان به گسترش روابط دو کشور امید داشت. بدون شک با کاهش نفوذ آمریکا و افول قدرت این کشور، شاهد تضعیف پان ترکیسم به عنوان یکی دیگر از عوامل اختلاف زامیان ایران و ترکیه خواهیم بود. نقش پررنگ محافل امنیتی و بنیادهای پژوهشی آمریکایی، غربی و رژیم صهیونیستی در تقویت پان ترکیسم برای تضعیف امنیت ملی ایران در سه دهه

